

یکشنبه ۵/۱۱/۱۴۰۴ - ۵ شعبان ۱۴۴۷ - ۲۵ ژانویه ۲۰۲۶ - فقه معاصر - فقه اداره - فقه مدیریت رفتار سازمانی (فقه انگیزش) فقه روابط انسانی سازمانی - نقشه راه مصباح الشریعه از امام صادق ع - روابط اربعه انسان در سازمان - درس ۸۰ - رابطه سوم - رابطه انسان با خلق سازمانی - اصول سبعة - اصل دوم - عفو (۴) - اخبار باب - راه‌های تریز مدیران به فضیلت عفو

مسئله ۸۰: کارکنان باید برای آراسته شدن به فضیلت عفو منافع هنگفت آن را با ضررهای بسیار مدهانه و انتقام مقایسه کنند و در جهت توانمندسازی خود به طور جدی در کارگاه‌های مربوطه شرکت نمایند تا به تدریج به این وصف ضروری، معقول و معتدل و دارای مصلحت آراسته شوند

معلوم شد که عفو یک فضیلت متعادل از قوه‌ی غضبیه، بین مدهانه و انتقام است و نیز از مکارم اخلاق و از جنود عقل است. باید مثل خدا مدیریت را با عفو عجین نمود، البته مستثنیاتی هم هست که با تشخیص مصلحت اهمی که در عفو یا انتقام است، مدیر به آن سمت می‌رود. البته انتقام به معنای مجازات عادلانه است نسبت به جرائم غیر قابل گذشت که در نوبت قبل گذشت. حال بحث در این است که چگونه به عفو مزین شویم؟ باید گفت اولاً ریشه و ظرف عفو، حلم است که راه‌های اکتساب آن را از جامع السعادات دریافتیم که حدود ۲۰ راه حل بود و در حقیقت راه علاج غضب بود که اگر به آن نسخه عمل شود، غضب مدیریت شده و مدیران حلیم می‌شوند. زیرا عفو نیز از فضائل قوه‌ی غضبیه است که در صورت علاج غضب، مدیر حلیم خود به خود عفو و هم می‌شود، زیرا بعید است حلیم و اهل گذشت نباشد. لذا کاربرست نسخه‌ی علاج غضب، حصول حلم و عفو، بلکه سایر فضائل قوه‌ی غضبیه مثل شجاعت، دفاع و جهاد، غیرت و... خواهد بود.^۱ اما آیا راه حل خاصی هم برای تزیّن به عفو وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت که:

^۱ فصل پنجم [در بیان ثمرات قوه غضبیه]: بدان که قوه‌ی غضبیه یکی از نعم بزرگ الهی است بر حیوان و بالخصوص بر انسان که به واسطه‌ی این قوه‌ی شریفه، حفظ بقای شخصی و نوعی و حفظ نظام عائله و بقای فردی و جمعی شود؛ چون که انسان تا در عالم ماده و طبیعت واقع است، به واسطه‌ی تضاد و تصادمی که در این عالم است و به واسطه‌ی قوه‌ی قبول و انفعال و تأثیری که در طبیعت او است، دائماً در نضج و تحلیل است که اگر بدل مایتحلل به او نرسد، به زودی مفسدات داخلی او را فانی و نابود می‌کنند، و همین طور تا در عالم دنیا و تصادم واقع است، از برای او دشمن‌ها و مفسداتی هست که اگر از آن‌ها جلوگیری نشود، انسان را به زودی زائل و فانی کنند. و همین طور که از برای شخص و فرد حیوان و انسان، مفسدات و موزیات خارجی و داخلی هست، از برای نظام عائله‌ی انسانی و نظام جمعیت و مدینه‌ی فاضله‌ی انسانی، مفسدات و محلاتی است که اگر ذب و دفع از آن‌ها نشود، به زودی نظام عائله و نظام مدینه‌ی فاضله به هم می‌خورد، و به اسرع اوقات، عالم مدنیّت رو به زوال و اضمحلال می‌گذارد. از این جهت، عنایت ازلیه‌ی الهیه و رحمت کامله‌ی رحمانیه اقتضاء نمود که در حیوان مطلقاً، و در انسان بالخصوص، این قوه‌ی شریفه‌ی غضبیه را قرار دهد که حیوان و انسان، بما هو حیوان، دفع موزیات خارجی و داخلی فردی خود کند، و انسان، بالخصوص، دفع و رفع مفسدات و محلات نظام عایله و نظام جامعه و مدینه‌ی فاضله نماید. دفاع و ذب از هتک از عایله، و سدّ ثغور و حدود مملکت، و حفظ نظام ملت و بقای قومیت، و نگهبانی از تهاجم اشراک به مدینه‌ی فاضله، و جهاد با اعداء انسانیت و دیانت صورت پیدا نکند، مگر در سایه‌ی این قوه‌ی خداداد و این تحفه‌ی آسمانی که به دست حق تعالی جلّ و علا در خمیره‌ی انسان مخمّر شده و به ودیعت نهاده شده. اجراء حدود و تعزیرات و سیاسات الهیه که حفظ نظام عالم کند، در پرتو این قدرت و قوه‌ی الهیه است؛ بلکه جهاد با نفس و ذب از جنود ابلیس و جهل، در تحت حمایت این قوه‌ی شریفه انجام گیرد. در هر کس که این قوه‌ی شریفه که تجلی انتقام و غضب الهی است، به طور تفریط ناقص باشد، لازمه‌ی آن بسیاری از ملکات خبیثه و اخلاق ذمیمه است، از قبیل خوف و جبن و ضعف و تبلی و خودپروری و کم صبری و قلت ثبات و راحت طلبی و خمودی و انظلام که مثل ظلم یا بدتر از آن است و رضایت به فواحش و رذائل و تن دادن به فضایح و بی‌غیرتی بر خود و عائله و ملت خود. خدای تعالی در وصف مومنین فرماید: «إِشْدَاءٌ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَةٌ لِيَهُمْ». این حال اعتدال است که در موقع خود، رحمت و شفقت و در موقع خود، شدت و غضب نماید. و در روایات شریفه از غضب نمودن در موقع خود، ذمّ و تکذیب شده: محمد بن یعقوب به اسناد خود از حضرت باقر العلوم علیه السلام نقل نموده که فرمود: خداوند وحی فرمود به شعیب علیه السلام: «همانا من عذاب کنم از قوم تو صد هزار نفر را که چهل هزار نفر از اشراک آنها و شصت هزار نفر از خوبان آنها است». عرض کرد: خداوند! اشراک به جای خود، اختیار و خوبان برای چه؟ وحی آمد: «برای این که مدهانه کردند با اهل معصیت و سهل انگاری کردند و غضب نمودند برای غضب من». و در وسایل از محاسن برقی، سند به حضرت علی علیه السلام بن الحسین علیه السلام رساند که فرمود: «حضرت موسی بن عمران گفت: پروردگارا! کیانند اهل تو آنهایی که در سایه‌ی عرش خود آن‌ها را سایه می‌افکنی، در روزی [که] سایه [ای] جز سایه‌ی تو نیست؟». پس وحی فرمود خداوند به سوی او: «آنهایی که قلب‌های آن‌ها پاکیزه است و دست‌های آن‌ها نیکویی می‌کند. آنهایی که یاد جلالت مرا کنند، مثل یاد پدرهای خود. تا آنجا که فرمود: و آنهایی که غضب می‌کنند برای محرمات

- ۱- مطالعه‌ی سرنوشت مدیران کینه‌توز در ادوار که نوعاً شوم است؛ زیرا خودشان هم در موقع خطای عمدی و سهوی از موهبت عفو برخوردار نشده و مورد انتقام قرار گرفته‌اند و لذا ضربه خورده‌اند.
- ۲- ملاحظه‌ی فوائد بی‌شماری که فرهنگ سازمانی عفو به دنبال داشته و باعث فضای معنوی شاد، رضایت‌بخش، امیدزا و آرام شده و به بهبود مستمر سازمانی منجر شده است.
- ۳- دقت در این که خداوند عفو است و مدیر هستی است. ما هم در مجموعه‌ی محدود تحت اداره‌ی خود باید متخلق به این اخلاق ربانی شویم تا در ردیف محبوبین خدا قرار گیریم.
- ۴- دقت در این ضرب‌المثل مأخوذ از سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام که در عفو لذتی است که در انتقام نیست. نباید خود را از این لذت معنوی که ملائم طبع و نفس است محروم کنیم و دائماً در دل خطاکار عفو نشده تولید نفرت کنیم و منتظر انتقام او باشیم.
- ۵- دقت در این نکته که عفو در قدرت اثربخشی عجیبی در بقاء قدرت برای خدمت دارد.
- ۶- ملاحظه‌ی این که عفو از اصول مدیریت بحران است؛ زیرا باعث وحدت و انسجام منابع انسانی و امکانی است که بحران را حل می‌کند. روحیه‌ی کینه و انتقام باعث تضعیف عوامل کنترل بحران می‌شود.
- ۷- دقت در این که معصوم فرموده است زکات پیروزی و ظفر، عفو و احسان نسبت به رقیب مغلوب است و می‌توانست عکس باشد و از زکات‌ها و صدقات واجب به‌ویژه در سازمان است، بلکه یک وظیفه‌ی سازمانی است زیرا تسهیل‌گر نیل به اهداف سازمانی و هموارکننده‌ی راه کسب منافع و مصالح مجموعه‌ی متبوعه است.
- ۸- ملاحظه‌ی این که اگر عفو نکنم، همین بلا سر خودم می‌آید، چون همه جایز الخطا هستند، به‌ویژه در پیچیدگی‌های محیط سازمانی.
- ۹- تمرکز بر این آیه‌ی قرآن که ببخشید تا خدا شما را ببخشد. گویا عفو خود را مشروط به عفو ما کرده است.
- ۱۰- دقت در این که عفو نشان‌گر مدیریت قابل قبول تدبیر نفس است که بیانگر عقلانی بودن رفتار مدیر و باعث نفوذ او در دل کارکنان و افزایش ارادت آن‌ها می‌شود و نهایتاً به نفع حرکت جمعی سازمان است.
- ۱۱- قبول این نکته که رفتار توأم با عفو کمک به گسترش و تعمیق فرهنگ سازمانی عفو می‌شود که جمع آن را قبول می‌کند و رویه می‌شود و سازمان را روضه‌ای از ریاض جنت می‌کند، نه حفره‌ای از حفره‌های نار.
- ۱۲- همیشه در قنوت بخواند که «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^۲ تا به تدریج غل و کینه از سینه‌ی او خارج شود.
- ۱۳- در قنوت نافله شب اول استغفار برای خود سپس برای مومنین و نهایتاً طلب عفو برای خود است یعنی تا دو مرحله اول طی نشود طلف عفو معنا ندارد از خدای عفو فافهم
- ۱۴- تأمل در این امر که مدینه‌ی فاضله شدن سازمان محصول کسب این فضائل از ناحیه‌ی افاضل است و عفو از برجسته‌ترین فضائل سازمانی است؛ مگر این که مدینه‌ی رذیله را طالب باشیم که هیهات.

من وقتی حلال شمرده شود، مثل پلنگ وقتی جراحت زده شود». و در باب اخلاق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد است که «یاری نجست برای خود در هیچ مظلمه‌ای» تا آن که هتک محارم الهیه می‌شد، پس غضب می‌نمود برای خدای تبارک و تعالی». و از این جا معلوم شد که این غضب که در مقابل رحمت و از جیش و جنود جهل و ابلیس مقرر شده حال اعتدال غضب و آن غضبی نیست که در تحت زمامداری عقل و خدای تعالی و شریعت مقدسه‌ی آسمانی باشد؛ بلکه مقصود، حال افراط آن است که در فصل آتیه ذم و تکذیب آن مذکور می‌شود. (کلینی، فروع کافی، ج. ۵، ص. ۵۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج. ۱۶، ص. ۱۴۷؛ برقی، المحاسن، ج. ۱، ص. ۱۶؛ نوری، مستدرک، ج. ۱۲، صص. ۱۹۷-۱۹۸؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص. ۲۳ در خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص. ۲۴۱)

قابل ذکر است که نسخه‌ی فوق زمانی افاده می‌کند که کارکنان خود را نیازمند آن ببینند و به عمل به آن تن بدهند و داوطلب باشند. البته باید تدریج را هم مراعات کنند و الا به سان بیماری هستند که به طبیب مراجعه نمی‌کند و اگر هم مراجعه کرد، نسخه را عمل نمی‌کند، فتدبّر.

البته مدیریت منابع انسانی در شاخه‌ی توانمندسازی باید روی اکتساب کارکنان به فضائل و مکارم اخلاقی مانند عفو کار کند و کمک به عمل به نسخه و نقشه‌ی فوق بنماید.

تفقه: عقل کسب منافع عفو در قدرت و راه‌های تحصیل آن را تحسین و مضار ناشی از مداهنه و انتقام بی‌مورد را تقبیح می‌کند. و نیز عقلاء عفو و راه‌های ایصال به آن را ممدوح و ضد آن را مذموم می‌دانند. شارع مقدس هم در این ادراک عقلی و بنای عقلایی هم‌رأیی می‌کند و ردعی ندارد^۱ به دلیل آیات و اخبار مذکوره در نوبت‌های قبل، فراجع.

فتحصل که کارکنان باید برای آراسته شدن به فضیلت عفو منافع هنگفت آن را با ضررهای بسیار مداهنه و انتقام مقایسه کنند و در جهت توانمندسازی خود به طور جدی در کارگاه‌های مربوطه شرکت نمایند تا به این وصف ضروری، معقول و معتدل و دارای مصلحت به تدریج آراسته شود.^۲

^۲ درس ۸۰ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۵ شهر شعبان المعظم ۱۴۴۷.